

## باسمه تعالی

- ۲ ..... **اوامر**
- ۲ ..... **ماده امر**
- ۲ ..... معنای وجوب و استحباب
- ۲ ..... مسلک مرحوم نائینی در معنای وجوب و استحباب
- ۲ ..... مورد نقض به مبنای مرحوم نائینی
- ۲ ..... جواب: عمومیت داشتن ترخیص نسبت به شرعی و عقلی
- ۳ ..... بیان نکته ای در نقض اول شهید صدر
- ۳ ..... عدم وصول بودن هر اطلاقی
- ۴ ..... اشکال اول: خلاف ارتکاز و خطابات شرعی بودن مبنای مرحوم نائینی
- ۴ ..... اشکال دوم: برائت در صورت اجمال خطاب و منافات داشتن با مبنای مرحوم نائینی
- ۵ ..... خلاف ارتکاز بودن بسیط بودن معنای وجوب و استحباب
- ۵ ..... فارق بین وجوب و استحباب در ناحیه مبادی

**موضوع:** وجوب / ماده امر / اوامر

### خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد معنای وجوب و استحباب بود مرحوم آخوند معنای وجوب و استحباب را بسیط دانستند و مرحوم نائینی به عقلی بودن معنای وجوب و استحباب معتقد بودند. شهید صدر نقوضی را بر مسلک مرحوم نائینی مطرح کردند و استاد از آنها جواب دادند. در این جلسه به بررسی بیشتر مبنای مرحوم نائینی پرداخته میشود.

**اوامر****ماده امر****معنای وجوب و استحباب****مسلك مرحوم نائینی در معنای وجوب و استحباب**

ایشان قائل به عقلی بودن وجوب و استحباب هستند البته موضوع وجوب و استحباب، حکم شرعی است یعنی اگر از جانب شارع ترخیص در ترک طلب واصل نشد عقل حکم به وجوب میکند و اگر از جانب شارع ترخیص در ترک طلب واصل شد، عقل، حکم به عدم مخالفت بر ترکش میکند.

**مورد نفی به مبنای مرحوم نائینی**

شهید صدر میفرماید: گاهی اوقات طلب مولی به عبد رسیده است و ترخیص هم واقعا وجود ندارد ولی عقل حکم به لزوم و استحقاق عقوبت نمیکند مثلا ما یقین داریم که ملاک مولی، ملاک لزومی نیست و برای این مورد مصادیق زیادی در شریعت وجود دارد مثلا در روز به صورت ایستاده آب خوردن و غیره. در اینجا طبق تفسیر مرحوم نائینی عقل حکم به وجوب میکند زیرا ترخیصی از جانب مولی در ترک طلبش نرسیده است یا واقعا ترخیص نیست و یا ترخیص واصل نشده است. ولی در عین حال عقل حکم به وجوب نمیکند.

**جواب: عمومیت داشتن ترخیص نسبت به شرعی و عقلی**

این اشکال جمود بر الفاظ است اینکه مرحوم نائینی فرموده است اگر طلبی از مولی صادر شد و ترخیصی از جانب مولی واصل نشد مراد ایشان عدم وصول ترخیص، منحصر به ترخیص شارع نیست بلکه ترخیص شارع از باب مثال است و مراد ایشان این است که مرخصی نباشد حال یا از جانب شارع باشد یا از جانب عقل باشد مثلا در باب تراحم، عقل حکم بر ترخیص در ترک مهم میکند و در اینجا مرخص عقلی وجود دارد فلذا از این جهت نقضی بر مرحوم نائینی وارد نیست. وجوب یعنی طلبی که مرخصی در ترکش نداریم و این مفاد از مقتضای عبودیت اخذ شده است حال اگر مرخصی واصل شد گفته میشود که مقتضای عبودیت به حدی نیست که در صورت مخالفت، استحقاق عقوبت داشته باشیم.

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، ص ۱۹.

**بیان نکته ای در نقض اول شهید صدر**

مرحوم شهید صدر در نقض اول فرمود: «که طبق مبنای مرحوم نائینی لازمه ای وجود دارد که پذیرفتنی نیست و آن عبارت است از اینکه اگر مولی گفت «اکرم الفقیه» و در ادامه فرمود «يجوز ترک اکرام العالم» در این جا باید گفت که اکرم فقیه دلیل خاص است و يجوز ترک اکرام العالم عام است فلذا دلیل عام به وسیله خاص تخصیص زده میشود و در فقه نیز همین گونه عمل میکنند در نتیجه باید گفت اکرام فقیه واجب است ولی طبق تفسیر مرحوم نائینی باید بگوییم اکرام فقیه مستحب است چون امری داریم که ترخیص در ترکش نیز آمده است زیرا خطاب يجوز اکرام العالم عام است و شامل فقیه نیز میشود. درحالی که این مطلب گفتنی نیست و خلاف رویه فقه است و خاص بر عام مقدم میشود.

حال گفته میشود اساساً صاحب نظریه عقلی بودن وجوب و استحباب همین رویه فقه را عمل میکنند مثلاً مرحوم خوئی که با مرحوم نائینی در اصل عقلی بودن وجوب و استحباب مشترک هستند خاص را بر عام مقدم کرده است مثلاً در باب نکاح یک فرع فقهی وجود داد و آن عبارت است از اینکه آیه مبارکه میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»<sup>۱</sup> بچه هایی که هنوز بالغ نشده اند برای داخل شدن در اتاق والدین باید اذن بگیرد در آیه مبارکه امر وجود دارد و ظاهرش در وجوب است و از طرفی رفع القلم عن الصبی نیز وارد شده است در اینجا مرحوم خوئی فرموده است<sup>۲</sup> امر در آیه مبارکه حمل بر استحباب میشود و قاعده اصولی را در این فرع فقهی عمل کرده اند فلذا کشف میشود که منظور ایشان از وجود ترخیص، عمویت دارد و ترک ترخیص در ترک به هر لسانی که باشد برای از بین بردن وجوب کفایت میکند.

نتیجه: مسلک عقلی بودن وجوب و استحبابی که مرحوم نائینی ادعا میکرد درست نیست.

**عدم وصول بودن هر اطلاقی**

نقضی که شهید صدر مطرح کردند در حقیقت نقض به مدرسه مرحوم نائینی نیست زیرا اولاً ایشان این مطلب را قبول دارند که اگر ترخیص در مخالفت وارد شد عقل حکم به استحقاق عقاب نمیکند. ثانیاً لب مطلب ایشان عبارت است از اینکه ترخیص باید احراز شود. نتیجه این میشود که مثال مطرح شده از جانب شهید صدر کبرای مرحوم نائینی را خدشه دار نمیکند زیرا

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، ص ۱۹.

۲ سوره نور، آیه ۵۸.

۳ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۳۲، ص ۶۸.

مرحوم نائینی میتواند بگوید در آن مثال، اول کلام است که وجوب اکرام فقیه مقدم بشود و در حقیقت اطلاق یجوز اکرام العالم محل اختلاف است. پس مناقشه در یک صغرای اختلافی به کبرای مرحوم نائینی ضرری نمیرساند. در حقیقت هر اطلاقی که وصول نیست فلذا ترخیص احراز نشده است.

به نظر ما نقوض شهید صدر وارد نیست. البته برای ما مبنای مرحوم نائینی تمام نیست و دو اشکال را نتوانستیم در مبنای ایشان حل کنیم.

### اشکال اول: خلاف ارتکاز و خطابات شرعی بودن مبنای مرحوم نائینی

اولا ادعای مرحوم نائینی خلاف ارتکاز و ظاهر خطابات است. ارتکاز بر این است که وجوب مجعول شارع است و ارتکاز بر این است که استحباب و واجب هر دو کار شارع هستند نه اینکه هر دو به معنای طلب باشند ولی در صفت فرق داشته باشند و اختلاف آنها خارج از کار شارع باشد درست نیست. علاوه بر این مطلب، ظاهر خطابات نیز لفظ واجب و مستحب را دارند و اینکه گفته شود که منظور از مستحب یعنی ترخیصی در ترکش آمده است و عقل حکم به عدم استحقاق عقاب کند خلاف ارتکاز است.

آیا از واجب فهمیده میشود که من طلبی دارم که عقل حکم به استحقاق عقابش در صورت مخالفت میکند؟ یا از استحباب فهمیده میشود که من طلبی دارم که عقل در صورت مخالفت، استحقاق عقابش نمیکند؟ فلذا باید گفته شود که وجوب کار عقل نیست بلکه استحقاق عقاب کار عقل است و عقل بعد از وجوب این حکم را دارد

### اشکال دوم: برائت در صورت اجمال خطاب و منافات داشتن با مبنای مرحوم نائینی

مرحوم نائینی در بحث برائت قبول دارد که اگر خطابی مجمل شد و استحباب و وجوب از او فهمیده نشد در اینجا قدر متیقنش طلب است اما ایجابی و استحبابی بودن آن را نمیفهمیم مثلاً تجافی در نماز جماعت یا امر به جلسه استراحت در رکعت دوم و سوم از موارد اجمال خطاب است. در این موارد مرحوم نائینی فرموده است که مرجع برائت است زیرا وجوب، کلفت زائد است و با برائت برداشته میشود. در حالی که در اینجا قطعاً طلب واصل شده است ولی ترخیص مولی واصل نشده است و عقل باید حکم به وجوب کند ولی ایشان برائت جاری میکنند.

ان قلت: ترخیص واصل شده است و آن ترخیص برائت است که فرض این است که وارد هم شده است.

قلت: اگر این نوع ترخیص را ترخیص واصل بدانیم باید بپذیریم که در همه جا ترخیص وارد شده است در حالی که مرحوم نائینی ملاک در ترخیص را، ترخیص در مخالفت همان طلب میداند. فلذا مورد نقض بر مرحوم نائینی هنوز باقی است.

تا این مرحله از بحث مختار مرحوم آخوند و مدرسه مرحوم نائینی در معنای وجوب و استحباب بیان شد و ما نتوانستیم مبنای مرحوم نائینی را قبول کنیم. همان طوری که نمیتوانیم مختار مرحوم آخوند را قبول کنیم.

### خلاف ارتکاز بودن بسیط بودن معنای وجوب و استحباب

ادعای مرحوم آخوند نیز خلاف ارتکاز است زیرا لازمه کلام ایشان این است که ما درجایی که مثلاً مولی بگوید آمرک بغسل الجمعه و الجنابه دو معنا را بفهمیم یکی طلب اکید و دیگر طلب ضعیف است درحالی که این فهم خلاف ارتکاز است و ارتکاز ما دو طلب از این عبارت را نمیفهمد البته ما مدعی نیستیم که فهم دو طلب محال است ولی میگوییم خلاف ارتکاز است هر چند که نسبت به مسلک مرحوم نائینی نقوض کمتری وارد است.

### فارق بین وجوب و استحباب در ناحیه مبادی

فرف بین وجوب و استحباب در مبادی است که در جلسه آینده خواهد آمد.